



دکتر حمید سودیان پهرانی

پاسخنامه تشریحی فلسفه و منطق کنکور انسانی ۱۴۰۱

**۲۳۶- گزینه ۴ متوسط درس ۲ منطق**

عکس گرفتن دو معنا دارد: ۱- عکس انداختن با دوربین: ۲- تحویل گرفتن عکس های چاپ شده  
گزینه ۱: چون از استعاره استفاده کرده می تواند مغاط توسل به معنای ظاهری ایجاد کند.  
گزینه ۲: مغالطه ای ندارد. گزینه ۳: «دالات التزامی دارد ولی به معنای مابقی گرفته شده است. پس مغالطه توسل به معنای ظاهری دارد.»

**۲۳۷- گزینه ۱ ساده درس ۳ منطق**

چون A اعم از B است، پس همه مصادیق B درون A هستند و بنابر این مجموع مصادیق A و B مساوی با همان مصادیق A است. بنابراین C هم مساوی A خواهد بود.

**۲۳۸- گزینه ۳ متوسط درس ۴ منطق**

تعریف صحیح فعل: کلمه ای که بر انجام کاری با وجود حالتی دلالت کند و متعلق به یکی از زمان های گذشته، حال یا آینده باشد. تعریف ذکر شده برای «فعل» جامع نیست زیرا شامل کلماتی که بر وجود حالتی دلالت دارند، نه انجام کاری نمی شود. مثلاً شامل فعل «خسته بود» نمی شود. از طرفی مانع هم نیست زیرا شامل مصر «که متعلق به زمان خاصی نیست و فعل محسوب نمی شود هم می شود. مثلاً شامل «خندیدن» هم هست در حالی که این کلمه فعل نیست. گزینه ۱: جامع و مانع است. اگر تعریف مفهومی باشد، می توان آن را دوری «در نظر گرفت. گزینه ۲: مانع نیست زیرا شامل الاغ هم می شود. ولی ظاهراً از نظر طراح کنکور جامع است) البته در واقع چون شامل اسب وحشی نمی شود، جامع هم نیست و این سؤال در پاسخ دارد. علت اینکه ما بین این دو پاسخ، گزینه ۳ را انتخاب کردیم این است که تعریف فعل به همان صورتی که بیان کردیم، دو بار در کنکورهای دهه ۹۰ آمده است و لذا قاعدتاً طراحان کنکور کاملاً به آن توجه دارند ولی ممکن است به تعریف صحیح «اسب» توجه نداشته باشند. (گزینه ۴: جامع نیست زیرا برخی گیاهان شاخه و برگ ندارند. مثلاً درختان در زمستان برگ ندارند و «جویج» شاخه ندارد. اما مانع است زیرا هر موجود زنده دارای شاخه و برگ حتماً گیاه است.)

**۲۳۹- گزینه ۴ / متوسط درس ۵ منطق**

تعمیم قوی به شرط داشت که هر کدام نقض شوند، تعمیم شتاب زده می شود شرط اول: تعداد نمونه ها متناسب با تعداد جامعه آماری باشد) تأیید گزینه ۴. (شرط دوم: نمونه ها تصدفی باشند. شرط سوم: نمونه ها متفاوت و بیان گر همه طیف ها باشند. گزینه ۱: برعکس این مطلب درست است. در استقرای تعمیمی از مقدمات جزئی به نتیجه ای کلی می رسیم. گزینه ۲: «به طور کامل مشابهت نداشتن» در تمثیل های روا هم هست. اگر مطلب نادرستی با تمثیل اثبات شود، تمثیل ناروا خواهد بود، ولی اگر مطلب درست باشد، تمثیل رواست. پس ناروایی تمثیل به جهت عدم تشابه کامل نیست. گزینه ۲: «تمثیل» روشی برای تفهیم

مطالب است، نه استقراری تمثیلی. استقراری تمثیلی، استدلالی است که برای اثبات یک مطلب (نه تفهیم آن از تمثیل استفاده می کند .

**۲۴۰- گزینه ۲ / ساده / درس ۷ منطق**

اگر از یک قضیه حملی، عکس مستوی آن نتیجه گیری شود ولی قواعد عکس مستوی به درستی رعایت نشود، مغالطه «ایهام انعکاس» رخ داده است. قضیه «همه طرفداران ما به او رای داده بودند» «موجه کلیه است. بنابراین مقدمه موجه کلیه را عکس کرده، ولی قواعد عکس مستوی را رعایت نکرده است؛ چون عکس مستوی موجه کلیه، موجب جزئیه است (بعضی از رأی دهندگان، طرفدار ما بوده است ولی در اینجا به صورت کلیه عکس شده است. پس مغالطه ایهام انعکاس دارد .

**۲۴۱- گزینه ۱ / دشوار درس ۸ منطق**

توجه: مقصود صورت سؤال این است که قیاس مورد نظر معتبر است ولی این مطلب را بیان نکرده همان طور که همیشه گفته ایم در این قبیل سوالات بهترین و دقیق ترین و سریع ترین راه این است که بلافاصله یک دیاگرام رسم کنید و اطلاعات مسأله را روی آن پیاده کنیم

بعضی

ب

الف

است .

**طبق قانون کیفیت نتیجه، مقدمه**

**دوم هم موجه است. از طرفی قیاس معتبر لااقل یک مقدمه کلیه دارد، پس مقدمه دوم کلیه است**

هر

.....

.....

است .

:بعضی الف ج است .

بنابر این موضوع و محمول مقدمه دیگر علامت یکسان ندارد بلکه موضوع آن مثبت و محمول آن منفی است زرد گزینه های ۲ و

۳. (محمول مقدمه دیگر با موضوع نتیجه هم علامت است) هر دو منفی اند (درد گزینه ۴ (نکته: ما این

سؤال را از این نکته حل کردیم که در هر قیاس اقتراعی معتبر، دست کم یک مقدمه کلیه وجود دارد. اما این نکته

که پاسخ این سؤال را سرعت می بخشد، در کتاب درسی نیست. اگر بخواهیم بر اساس مطالب کتاب درسی این سؤال را حل کنیم،

باید بگوییم طبق شرط دوم اعتبار، حکوسط باید لااقل در یک

مقدمه مثبت باشد. چون در اینجا به حد وسط است و در مقدمه اول منفی است، لذا در مقدمه دوم باید مثبت باشد. از طرفی طبق

قانون کیفیت نتیجه محمول مقدمه دوم منفی است. پس ب «باید در مقدمه دوم موضوع باشد و قیاس نهایی

به این صورت خواهد بود :

بعضی ب الف است .

...بعضی الف ج است .

**۲۴۲- گزینه ۳ / متوسط درس ۹ منطق**

هر جاننداری تنفس می کند و هیچ جاننداری نیست که تنفس نکند. پس اگر جاندار

بودن یک موجود درست باشد تنفس نکردن او نادرست است) نه هر دو (و اگر جاندار بودن آن نادرست باشد، تنفس نکردنش

درست است) نه هیچ کدام. (پس انفصال حقیقی بین جاندار بودن «و» «تنفس نکردن» وجود دارد. گزینه ۱: مانع الرفع است. زیرا

جسم می تواند هم رسانا باشد و هم غیر فلز، مثل آب) شاید هر دو. ولی اگر جسمی رسانا نباشد، حتما غیر فلز است) نه هیچ

کدام. (گزینه ۲: مانع الجمع است. زیرا اگر قضیهای حملی باشد دیگر منفصل حقیقی که از اقسام قضیه شرطی است، نخواهد

بود) نه هر دو. (ولی اگر حملی نباشد، ممکن است شرطی منفصل حقیقی باشد یا نوع دیگری از شرطی) مثلاً شرطی متصل باشد

(شاید هیچ کدام گزینه ۴: مانع الرفع است. زیرا ممکن است شکلی هم چهار ضلعی باشد و هم مربع نباشد شاید هر دو (ولی اگر

چهار ضلع نداشته باشد، حتماً مربع نیست) نه هیچ کدام. (

**۲۴۳- گزینه ۲ ساده / درس ۱ و ۳ فلسفه یازدهم**

تفکر یا فهم فلسفی، برای همه انسانها- چه فیلسوف باشند و چه نباشند- ضروری است. این تفکر بر اساس قدرت تفکر خدادادی انجام می شود و صرفاً کافی است که موضوع آن، مسائل بنیادی باشد و نیازی به آموختن دانش فلسفه ندارد. اما تفکر فلسفی یک فیلسوف باید قانونمند باشد و لذا چنین تفکری مستلزم یادگیری دانش فلسفه است. گزینه ۱: فیلسوف کسی است که در مسائل بنیادی به نحو قانونمند و تخصصی بیندیشد، نه هر کس که نظرات خود را مستدل کند. دانشمندان تمام علوم توانایی دارند که نظرات علمی خود را مستدل کنند و لزوماً فیلسوف هم نیستند. گزینه ۳: برعکس این مطلب درست است. یک فیلسوف واقعی، باورهای خود را با واقعیت هماهنگ می کند. گزینه ۴: هر تعجبی، حیرت فلسفی نیست (البته این مطلب از کتاب درسی حذف شده است ولی با فهم متعارف هم می توان دریافت که هر تعجبی ناشی از یک سؤال فلسفی نیست).

**۲۴۴- گزینه ۲ / دشوار درس ۷ فلسفه یازدهم**

مطالعه قوای شناختی و تحلیل آن ها یک عملیات معرفت شناختی است که توسط شناخت عقلی انجام می گیرد. گزینه های او ۴: دریافت های عقل شامل کل هستی است و در همه علوم از جمله علوم تجربی کاربرد دارد، نه اینکه فقط شامل امور غیر محسوس و ماورای طبیعت باشد. گزینه ۳: اگرچه قانون علیت از شناخت های عقلی است و در همه آگاهی های انسان از آن استفاده می شود و از این جهت گزینه ۳ هم می تواند جواب باشد، اما ظاهراً مقصود طراح کنکور این است که شناخت عقلی مستقیماً در تحقق شناخت های دیگر دخالت دارد که این مطلب نادرستی است. زیرا تحقق شناخت حسی و شهودی بدون استفاده از عقل است. این اعتبار سنجی و اعتبار آنهاست که مستلزم استفاده از شناخت عقلی است. | ۲۴۵- گزینه ۳ / ساده / درس ۹ فلسفه یازدهم موضوع اصلی انسان شناسی فلسفی چیست؟ انسان و جایگاه او در عالم هستی است. | گزینه ۱: «خود» به معنای ذات و حقیقت انسان، موضوع انسان شناسی فلسفی است ولی «خود» به معنای آنچه هر کس از خود در می یابد، به علوم تربیتی و روان شناسی مربوط است. گزینه ۲: ماهیت تفکر، به عنوان عالی ترین ویژگی انسان، می تواند در فلسفه ذهن، منطق و ... مورد بحث قرار گیرد ولی در انسان شناسی موضوع اصلی این نیست. بلکه البته تفکر به عنوان ویژگی متمایز کننده انسان از سایر حیوانات چون در فهم حقیقت انسان مؤثر است، موضوع انسان شناسی هم هست ولی در اینجا ماهیت تفکر به عنوان عالی ترین ویژگی انسان مطرح است، نه وجه تمایز انسان گزینه ۴: این معنا از روان «در روان شناسی» مورد مطالعه قرار می گیرد.

**۲۴۶- گزینه ۴ / دشوار درس ۱۱ فلسفه یازدهم**

از نظر افلاطون فضیلت فعلی است که واقعا در جهت رسیدن ما به سعادت باشد، نه اینکه صرفاً با هدف سعادت انجام شود زرد گزینه ۲ و تأیید گزینه ۴. (معیار تشخیص این فعل عقل است و اگر کارها به فرمان عقل باشند، فضیلت مندانه خواهند بود) رد گزینه ۳. اعتدال در هر یک از قوا و افعال، دیدگاه ارسطو بوده ولی اعتدال بین قوا همان چیزی است که افلاطون از آن به عدالت تعبیر می کند. بنابراین می توان گفت از نظر افلاطون کاری که از اعتدال ناشی شده باشد یکی از معیارهای فضیلت را دارد.

**۲۴۷- گزینه ۲ / دشوار درس ۲ فلسفه دوازدهم**

نکته: در قضایای سالبه، می توان قضیه را تبدیل به موجه کرد تا تشخیص نسبت ساده تر باشد. بعد از تشخیص نسبت، اگر امکانی بود، قضیه سالبه هم امکانی خواهد بود ولی اگر وجوبی بود، قضیه سالبه امتناعی و اگر امتناعی بود، قضیه سالبه وجوبی خواهد بود. طبق نکته بیان شده، قضیه های برخی دانشجویان دیپلمه هستند «و «استوانه وزن دارد» را در نظر می گیریم. قضیه اول امکانی و قضیه دوم امتناعی است. پس دو قضیه سالبه اصلی، به ترتیب امکانی و وجوبی بوده اند. توجه کنید که «استوانه» با «جسم استوانه ای شکل» متفاوت است. اولی نوعی کمیت است و جسم نیست

لذا وزن هم ندارد ولی دومی نوعی جسم و دارای وزن است. تذکر علمی: اینکه هر دانشجویی لزوماً دیپلم دارد، یک مطلب عقلی نیست بلکه قراردادی قانونی است. بنابراین در حالت کلی قضیه اول این سؤال، امکانی است اما اگر تعریف دانشجوی

را در همین سیستم آموزشی موجود در نظر بگیریم، دیپلم داشتن جزئی از لوازم ذاتی دانشجو خواهد بود. به هر حال، کنکور دانشجو را به معنای «فرد محصل در دانشگاه در نظر گرفته است و لذا دیپلم داشتن او امکانی است .

### ۲۴۸- گزینه ۱ دشوار درس ۳ فلسفه دوازدهم

درک علیت حوادث طبیعی و محسوس نیاز به حس و تجربه دارند ولی در مورد حوادث غیر طبیعی و غیر محسوس این طور نیست. مثلاً «اراده انسان» یک حادثه غیر طبیعی و غیر محسوس است که علت عمل اختیاری و ارادی انسان است. تشخیص علیت اراده برای عمل، نیازی به حس و تجربه ندارد بلکه نیروی عقل با تحلیل حالات درونی نفس آن را تشخیص می دهد. گزینه ۲: هیوم ضرورت میان علت و معلول را نپذیرفته است که بخواند آن را علت تداعی ذهن بداند. از نظر او مشاهده مکرر توالی حوادث، در ذهن ایجاد تداعی می کند. گزینه ۳: دکارت اصل علیت را فطری می داند ولی معتقد است تشخیص مصادیق علت و معلول (مثل اینکه چه چیزی علت یک معلول است) نیازمند تجربه و آموزش است و فطری نیست. گزینه ۴: دکارت و فیلسوفان مسلمان پذیرش علیت را بدون تلاشهای تجربی می دانند، زیرا خود علیت پایه هرگونه تجربه است.

### ۲۴۹- گزینه ۳/ دشوار درس ۳ و ۴ فلسفه دوازدهم

اگر فیلسوفی معتقد باشد اصل سنخیت، تجربی است نمی تواند این اصل را به موارد تجربه نشده تعمیم دهد. بنابراین همواره ممکن است در برخی حوادث ناشناخته سنخیت نقض شود و معنای دوم اتفاق تحقق پیدا کند. پس چنین فیلسوفی نمی تواند این معنا از اتفاق را در حوادث بعدی، غیر ممکن بداند. گزینه ۱: علت ناقصه به معلول وجوب بالغیر نمی دهد و آن را در حالت امکانی خود باقی می گذارد. این تنها علت تامه است که ضرورت بخش است. گزینه ۲: هیچ فیلسوفی به طور صریح اتفاق به معنای نفی رابطه ضروری میان علت و معلول (معنای اول اتفاق) را نپذیرفته است ولی هیوم فیلسوفی است که این معنای اتفاق را انکار هم نکرده است. به عبارت دیگر او وقوع چنین معنایی از اتفاق را امکان پذیر می داند و بر این باور نیست که لزوماً میان هر حادثه و علل آن، رابطه ضروری برقرار است. گزینه ۴: هیوم اصل علیت را تجربی نمی داند بلکه معتقد است این اصل از هیچ راه معتبری قابل شناخت نیست. آنچه او تجربی می داند حرفاً زمینه تداعی این اصل در ذهن است، نه خود آن

### ۲۵۰- گزینه ۲ / متوسط / درس به فلسفه دوازدهم

در برهان ارسطو ابتدائاً به این مطلب توجه می شود که در جهان حرکت وجود دارد. لذا چون هر حرکتی نیاز به محرک دارد، باید محرکی هم باشد. اگر خود آن محرک هم متحرک باشد، باز نیازمند محرک دیگری است و این سلسله از محرک ها ادامه می یابد زرد گزینه ۴. (اگر به یک محرک غیر متحرک نرسیم، تسلسل محرکها ایجاد می شود که محال است پس یک محرک غیر متحرک داریم. گزینه ۱: از آخرین مقدمات است. گزینه ۳: نتیجه برهان است، نه مقدمه.

### ۲۵۱- گزینه ۴ / دشوار درس ۶ فلسفه دوازدهم

وقتی ثابت کنیم در رأس تسلسله علل، یک علت غیر معلول هست، هم آن علت غیر معلول ابتدای سلسله است و تسلسل علل (نامتناهی را ممتنع می کند و هم خودش همان خداوند است، لذا وجود خدا هم اثبات شده است. تذکر: اینکه در این گزینه صفت «نامتناهی» برای تسلسل نیامده است می تواند سبب نادرستی آن شود ولی با توجه به نادرست بودن قطعی سایر گزینه ها نتیجه می گیریم که مقصود طراح از تسلسل «، همان تسلسل علل نامتناهی است. گزینه: یکی از نتایج ابن سینا از برهان خود بر اثبات وجود خدا، این است که واجب الوجود بر دو قسم است: واجب الوجود بالذات و واجب الوجود بالغیر. او می گوید اشیای جهان واجب الوجود بالغیر هستند ولی این مطلب که این اشیا (واجب الوجود بالغیر) وجود دارند، مقدمه برهان است، نه نتیجه گزینه ۲: هدف براهین ابن سینا و فارابی بر اثبات وجود خدا، تبیین علیت نبوده است. در واقع، آنها هر یک به شیوه ای از این اصل بهره برده اند، نه اینکه اثباتش کرده باشند. گزینه ۳: هر چیز علتی ندارد بلکه هر معلولی موجودی که وجودش از خودش نیست یا ممکن الوجود بالذات یا فقیر است علت دارد.

### ۲۵۲- گزینه ۳ / دشوار درس ۷ فلسفه دوازدهم

مقصود از دانش عملی دانشی است که با عقل عملی حاصل می شود و به بایدها و نبایدهای اخلاقی مربوط است. بر این اساس گزینه ها را تحلیل می کنیم گزینه ۳: عدالت و قوانینی که در تأمین آن مؤثرند در

زمره مسائل اخلاقی اند زیرا عدالت مورد تحسین اخلاقی قرار می گیرد. پس چنین دانشی، دانش عملی محسوب می شود. سایر گزینهها: ربطی به مسائل اخلاقی ندارند پس دانش نظری هستند.

### ۲۵۳- گزینه ۴ / دشوار درس ۸ فلسفه دوازدهم

بالقوه بودن عقل در ابتدای تولد از شاخصه های تفکر مشائیان است که به ابن سینا هم به ارث رسیده است. او و فارابی شکوفایی عقل را در چهار مرحله ترسیم می کنند. از طرفی ابن سینا هم مانند فارابی معتقد است که درک مفهوم کلی از سوی عقل انسان، مستلزم کسب فیض از عقل فعال است که یکی از موجودات عالم عقول محسوب می شود. گزینه ۱: «عقل کل» عنوانی است که برخی فیلسوفان یونان به خدا داده اند، نه ابن سینا. حتی اگر ابن سینا این عنوان را بپذیرد، قطعاً خدا را یکی از موجودات عالم عقول نخواهد دانست. زیرا از نظر او این موجودات همگی مخلوقات خدا و ممکن الوجود بالذات هستند. گزینه ۲: در مرحله عقل بالملکه، فقط بدیهیات درک می شوند، نه معلومات ساده. زیرا معلومات ساده می توانند تیریدیهی و نیازمند به استدلال هم باشند. مثل دو ضرب در دو مساوی چهار «که با وجود سادگی، بدیهی نیست و اثبات می شود. گزینه ۳: برعکس این مطلب درست است. منزلت عقل فعال به عقل انسان، مثل نور است به چشم، نه چشم به نور.

### ۲۵۴- گزینه ۱ متوسط / درس ۱۰ فلسفه دوازدهم

سؤال دانشی است و باید عبارت قطب الدین رازی را در ذهن داشته باشید. آن عبارت این بود: «حکمت اشراق، حکمتی است که اساس و بنیان آن اشراق است. اشراق نیز عبارت است از کشف و شهود و این حکمت همان حکمت شرقیانی است که اهل فارس بوده اند، زیرا حکمت آنها هم شهودی و کشفی بوده است توجه: طبق عبارت های دیگر کتاب درسی، این مطلب می تواند درست نباشد. زیرا کتاب در جای دیگری می گوید حکمت اشراق هم فلسفه است و لذا فقط بر اساس برهان عقلی محض استدلال می کند. اما در اینجا عبارت قطب الدین رازی مورد نظر است و معنای پایه اصلی حکمت اشراق هم پایه استدلال های این حکمت نیست. بلکه مقصود این است که در این حکمت آن حقیقتی که شهود شده، با برهان عقلی، استدلال و اثبات و تبیین می شود، نه اینکه کاری با شهود لمعهد نداشته باشیم.

### ۲۵۵- گزینه ۱ دشوار ادرس ۶ و ۱۱ فلسفه دوازدهم

ملاصدرا بر اساس مبانی فلسفی خود، استدلال ابن سینا را ارتقا بخشید. این مبانی همان اصالت و وحدت وجود و مراتب داشتن آن هستند. گزینه ۲: از نظر ملاصدرا درخت و انسان و خورشید و جمله این امور گوناگون مانند موج اند که از خود هویتی و وجودی جدای از خداوند ندارند و جز خدای چیزی در عالم نیست. پس از نظر او، حق متعال هم در نظام وجود تحلیل می شود و کل وجود بدون هیچ محدودیتی، همان خداوند است (نکته بی ارتباط با کنکور: البته این دیدگاه از نظر بسیاری از فقها و متکلمان پذیرفته نیست و تعالی خداوند سبب می شود نتوان او را در نظام جهان معقول، توصیف کرد. (گزینه ۳: هستی گرفتن از یک وجود یگانه، پیام اصالت وجود نیست. گزینه ۴: از نظر ملاصدرا کثرت به مراتب داشتن وجود بر می گردد، نه ماهیت